



عنوان مقاله

بررسی تاثیر دینداری در سازگاری فردی و اجتماعی

نویسندگان

تابان احمدی، دانش آموخته روانشناسی دانشگاه آزاد ارومیه و حوزه علمیه الزهراء ارومیه.

ارومیه، جاده سلماس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مقدمه

انسان همواره به دنبال سعادت خویش است. البته این سعادت فقط در سایه تامین کامل همه نیازهای زندگی او به دست می‌آید. از سوی دیگر، با فهم خدادادی خود درک می‌کند که هرگز نمی‌تواند به تنهایی همه نیازمندی‌های خود را به دست آورد. در واقع، ضرورت اجتماعی زیستن را فطرت انسان تصدیق می‌کند و تاریخ نشانگر این واقعیت است. جریان سازگاری و پیوند زندگی هر فرد با افراد دیگر برای تامین بهترین‌های مادی و معنوی فرد در جامعه می‌باشد. قرآن کریم نیز در آیاتی چون «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا . . .»، اهمیت زندگی اجتماعی را بیان می‌کند. بنابراین انسان به ناچار در یک فرایند گروهی، هم به دیگران کمک می‌کند و هم از ایشان یاری می‌جوید. از سوی دیگر انسان برای پایداری زندگی جمعی خود به قانون و ضابطه در روابط اجتماعی خود نیاز دارد. ادیان ربانی ضمن توجه به زندگی اجتماعی انسانها، دستورهای سازنده‌ای برای بهبود روابط اجتماعی انسانها داده‌اند که موجب سالم و مطلوب شدن اجتماع و زندگی جمعی، می‌شود و روابط اجتماعی را بهبود می‌بخشد. پیدایش رسمی روان‌شناسی دین به اواخر قرن نوزده برمی‌گردد ولی تأملات روان‌شناختی درباره دینداری انسان، سابقه‌ای طولانی دارد. تاکنون تلاش‌های فراوانی در زمینه تحلیل و بررسی عوامل موثر در سازگاری صورت گرفته اما از آنجا که سازگاری یک پدیده انسانی است و با واقعیت وجودی انسان پیوند دارد و از سوی دیگر، علوم تجربی از شناخت انسان بعنوان یک (کل) ناتوان است، تاکنون نتیجه قطعی در این زمینه بدست نیامده است، از این رو، آموزه‌های دینی به دلیل اتصال به منابع ماورایی الهی و اشراف به سرشت انسانی، توانایی ارائه الگویی جامع در این زمینه را دارد هرچند آثاری پراکنده با استناد به مصادر اسلامی نگاشته شده، اما پژوهشی در خصوص عاملی خاص از عوامل سازگاری تاکنون انجام نشده است.

باتوجه به نظرات دانشمندان و روان‌شناسان، دو دیدگاه کلی درخصوص تاثیر دینداری بر سازگاری فردی و اجتماعی وجود دارد. بعضی از دانشمندان غربی مثل فویر باخ و راسل اعتقاد دارند که دین در سازگاری بی تاثیر یا دارای تاثیر منفی است در حالیکه اندیشمندان اسلامی مثل علامه مصباح بزدی معتقدند دین نه تنها در ویژگی‌های فردی و اجتماعی انسان از جمله سازگاری دارای تاثیر است بلکه جزو نیازهای ضروری او بوده و لازمه حیات اوست.

این پژوهش قصد دارد که تاثیرات دینداری بر سازگاری فردی و اجتماعی را تبیین کرده و برای دست‌یابی به نتایج آن، راه‌های این اثرگذاری را، نشان دهد. برای این منظور، بعد از توضیح نکات کلیدی بحث و بیان نظرات مختلف دانشمندان غربی و مسلمان، نتایج این اثرگذاری را مورد توجه قرار داده و راه‌کارهایی را برای وصول به نتایج مطلوب نشان می‌دهیم.

روش

این مقاله به روش گرد آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، بررسی و تحلیل آنها، تطبیق یافته‌ها از متون اسلامی با یافته‌های نوین روانشناسی و علوم تربیتی، به کمک ابزار فیش برداری که بر مبنای روش شناسی در قرآن و روایات و روان‌شناسی صورت گرفته، از روش توصیفی و تحلیلی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بهره برده است. نویسنده بعداز مطالعه دقیق منابع اسلامی مرتبط با قرآن و روایات، و استخراج و فیش برداری تمام موارد مرتبط با موضوع، کتب و مقالات مربوط به مباحث روانشناسی و مهارتهای اجتماعی زیادی را مطالعه کرده و به تدوین این مقاله پرداخته است

یافته‌ها و نتایج

بر اساس بررسی‌ها و مطالعاتی که از کتب و مقالات علمی روان‌شناسی انجام دادم به این نتیجه رسیدم که روان‌شناسان اذعان دارند که با وجود همه امکاناتی که در اختیار مردم عصر ماست، آنها در حالت اضطراب و نگرانی خاصی بسر می‌برند و از سازگاری فردی و اجتماعی کافی برخوردار نیستند، درحالیکه انسان عصر ما باید در زندگی برای فعالیت و عمل و رسیدن به کمال، آرامش کامل داشته و از سازگاری فردی و اجتماعی در رفتارهای خود برخوردار باشد. این واقعیت نشان می‌دهد که علم روان‌شناسی در بررسی مسئله و ارائه راه‌حل، توانایی کافی نداشته و به تنهایی قادر به تامین نیازهای روحی و روانی و در پی آن بهبود روابط فردی و اجتماعی افراد جامعه نیست. اما با دقت در تعالیم دینی روشن می‌شود که دینداری نقش بسیاری در روابط فردی و اجتماعی و تبدیل ناسازگاری افراد به سازگاری دارد، خوشبختانه در سالهای اخیر بین روان‌شناسان و جامعه‌شناسان توجه به دین برای ایجاد سازگاری فردی و اجتماعی افزایش یافته است. آنها معتقدند در ایمان بخدا نیرویی خارق‌العاده وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان می‌بخشد که در تحمل سختی‌های زندگی و ایجاد و تقویت سازگاری افراد با محیط، آنها را کمک می‌کند. زیرا افراد مذهبی به ندرت در زندگی خود و روابط اجتماعی، دچار تنش یا اصطکاک با دیگران و تبعات سوء این ناسازگاری می‌شوند. بنابراین با عرضه شناخته‌ها و ناشناخته‌های علم روانشناسی به قرآن و روایات می‌توانیم با سرعت بیشتری به نتایج و راه‌حل‌های کامل و موثرتری برای پر کردن خلأهای موجود در زندگی افراد جامعه و حل مشکلات اجتماعی و فردی آنها دست یابیم. پس اگر به راه حل‌ها و تئوری‌های روانشناسی، دینداری را اضافه کنیم قطعاً سبک زندگی کامل و بهتری خواهیم داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

پیوند دین و انسان، پیوندی دیرین و پایدار بوده، اما این رابطه، درگذر زمان چه در وجه فردی دین و چه در بعد اجتماعی آن، همواره دستخوش تغییرات چشمگیری شده است. هرچند دین نقش و عملکردی همواره یکسان نداشته، اما از نخستین جوامع انسانی تا امروز، عنصری اساسی و بنیادین از هر اجتماع انسانی را تشکیل داده و یکی از اصلی‌ترین محورهای صف بندی‌ها و دسته بندی‌ها در درون جوامع یا تمایز ملل از یکدیگر بوده است. این امر موجب شده است که دانشمندان و روان‌شناسان غربی در مورد دین و تاثیرگذاری آن در زندگی انسان نظرات گوناگونی ارائه کنند. با وجود اینکه بسیاری از دانشمندان غربی همانند فروید و مارکس دین را در زندگی انسان بی تاثیر یا دارای تاثیر منفی می‌دانند، دانشمندان اسلامی همچون علامه طباطبایی و شهیدمطهری معتقدند دین پاسخ به یک نیاز فطری است و چون هر فرد انسانی فطرتاً اجتماعی است بنابراین اجتماعی بودن انسان اقتضا می‌کند که دین نیز اجتماعی باشد. اساساً اگر دینی تنها به بعد فردی انسان عنایت داشته باشد، ناقص خواهد بود، زیرا انسان در بعد اجتماعی که نقطه تضاد منافع و محل کشمکش‌هاست، به دین محتاج تر از بعد فردی است. پس دین روشی اجتماعی است که در جامعه جریان دارد و انسان گریزی از آن ندارد. در جامعه‌ای که دین به‌عنوان یک اصل مهم در سبک زندگی افراد مورد توجه قرارگیرد، طبیعتاً دینداری تاثیرات پررنگی در زندگی فردی و اجتماعی افراد آن جامعه خواهد داشت. اثرگذاری دینداری در سازگاری فردی و اجتماعی دارای فواید بسیاری از جمله آرامش، امنیت، رفاه، تامین عدالت اجتماعی می‌باشد که دین اسلام برای بهبود اوضاع اجتماعی و سعادت فردی راه‌کارهای متفاوتی را از جمله رعایت تقوا، صبر و شکیبایی، مودت و دوستی، مدارا و... جهت دستیابی به این اثرگذاری مثبت معرفی می‌کند. این آموزه‌ها با روش "تحول در شناخت" که از جمله روشهای موثر در فرایند سازگاری از دیدگاه روانشناسی محسوب می‌شود منطبق است

منابع

- القرآن الکریم.
- آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، سید مهدی، (۱۳۸۷)، درآمدی بر روانشناسی دین، قم: سمت.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۰۵)، لسان العرب، قم: ادب الحوزه.
- اتکسیسون و دیگران، (۱۳۷۸)، زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه محمدتقی براهنی و دیگران، تهران: رشد.
- اسلامی نسب، علی، (۱۳۷۳)، روانشناسی سازگاری، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- اعراف، علیرضا، (۱۳۷۶)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، تهران: سمت.
- امامی، محمد جعفر، (۱۳۷۷)، بهترین راه غلبه بر نگرانی‌ها و ناامیدی‌ها، قم: انتشارات نسل جوان.
- بهشتی، ابوالفضل، (۱۳۸۲)، سیمای مومن در قرآن و حدیث، قم: بوستان کتاب.
- توحیدی نژاد، علی، (۱۳۹۶)، جایگاه رفق و مدارا در استحکام خانواده از منظر آیات و روایات، قم: پژوهشکده مدیریت اطلاعات و مدارک اسلامی.
- جوان شیخی، تهمینه، (۱۳۸۰)، "بررسی رابطه وضعیت فرهنگی اجتماعی خانواده با میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه الزهراء"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء.
- جیمز، ویلیام، (۱۳۸۷)، دین و روان، ترجمه مهدی قائینی، تهران: انتشارات دارالفکر.
- حبیبی، نسربین، (۱۳۸۳)، بررسی رابطه بین مهارتهای اجتماعی و سازگاری فردی- اجتماعی در دختران دانش‌آموز دبیرستانهای شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: واحد علوم تحقیقات.
-

